

# Examining the Genealogy of the Child and its Legal Implications in Fertility with a Donated Ovum in Imamiyyah Jurisprudence, Iranian Law and Quran

## ARTICLE INFO

**Article Type**  
Analytical Review

### Authors

Zahra Boronoonsy<sup>1</sup>  
Mansour Amirzadeh Jirkoli<sup>2\*</sup>  
Mohammad Ali Saeidi<sup>3</sup>

### How to cite this article

Zahra Boronoonsy, Mansour Amirzadeh Jirkoli, Mohammad Ali Saeidi, Examining the Genealogy of the Child and its Legal Implications in Fertility with a Donated Ovum in Imamiyyah Jurisprudence, Iranian Law and Quran, Journal of Quran and Medicine. 2023;8(1):1-13.

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Private Law, Torbat-Heidaryeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-Heidaryeh, Iran.
2. Assistant Professor, Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law Education Department, Torbat-Heidaryeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-Heidaryeh, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Torbat Haydaria Branch, Islamic Azad University, Torbat Haydaria, Iran.

\* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: amirzadehj@yahoo.com

### Article History

Received: 2023/03/05  
Accepted: 2023/06/06

## ABSTRACT

**Purpose:** In some couples, the woman does not have a fertilized ovum and uses another person's ovum for fertilization and then places it in her uterus. The lineage of the child in this situation and its legal effects such as inheritance, custody, etc., have ambiguities. The purpose of this research is to investigate the lineage in ovum donation in Iranian jurisprudence and law.

**Materials and methods:** In order to achieve this goal, by using the qualitative research method and by examining and analyzing legal texts, verses, narrations, as well as the opinions of Muslim jurists, related concepts and components were extracted.

**Findings:** The results show that with the use of ovum donation, among the people involved in this relationship, the real mother of the born baby is the ovum donor, and the person who carried the ovum in her womb is not the real mother of the baby.

**Conclusion:** The results at hand show that the lineage of the children resulting from these fertility methods is attached to the owners of the sperm and ovum. On the other hand, considering that the custody of the child is with the mother until the age of seven, questions are raised in this context that the owner of the womb is the mother of the child who must take care of him and breastfeed him.

**Keywords:** Ovum Donation, Lineage, Imami Jurisprudence, Iran Law, Quran

## بررسی نسب فرزند و آثار حقوقی آن در باروری با تخمک اهدایی در فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی

### به آیات قرآن

زهرا برونی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق خصوصی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

منصور امیرزاده جیرکلی<sup>\*۲</sup>

استادیار، گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران (نویسنده مسئول).

محمدعلی سعیدی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

### چکیده

**هدف:** در برخی از زوجین، زن فاقد تخمک بارور شونده می‌باشد و از تخمک فرد دیگری جهت لقاح استفاده و سپس آنرا در رحم خود قرار می‌دهد. نسب فرزند در این حالت و آثار حقوقی آن همچون ارث، حضانت و ... دارای ابهاماتی می‌باشد. هدف از این تحقیق بررسی نسب در اهدای تخمک در فقه امامیه و حقوق ایران می‌باشد.

**مواد و روش‌ها:** برای دستیابی به این هدف با استفاده از روش تحقیق کیفی و با بررسی و تحلیل متون حقوقی، آیات، روایات و همچنین نظرات فقهای مسلمان، مفاهیم و مولفه‌های مرتبط استخراج گردید.

**یافته‌ها:** نتایج نشان می‌دهد که با استفاده از تخمک اهدایی، بین افرادی که در این رابطه شرکت دارند، مادر حقیقی نوزاد متولد شده، فرد اهداکننده تخمک می‌باشد و کسی که حامل نطفه در رحم خود بوده است، مادر حقیقی نوزاد نمی‌باشد.

**نتیجه‌گیری:** نتیجه‌های به دست آمده نشان می‌دهد که نسب کودکان ناشی از این روش‌های باروری به صاحبان اسپرم و تخمک الحاق می‌شود. از طرفی باتوجه به اینکه حضانت فرزند تا قبل از هفت سالگی با مادر است، پرسش‌هایی در این زمینه مطرح می‌شود که صاحب رحم، مادر فرزند است که باید از او نگهداری و شیردهی کند.

**واژه‌های کلیدی:** تخمک اهدایی، نسب، فقه امامیه، قوانین ایران، آیات قرآن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

\*نویسنده مسئول: amirzadehj@yahoo.com

### مقدمه

یکی از پدیده‌های دانش پزشکی تکنیک‌های باروری کمکی است که نسبت به دست آوردهای دیگر علمی خاصی دارد و از جنبه های گوناگون‌شناسی، روانشناسی و نهایت از دیدگاه فقهی و حقوقی قابل بررسی است. مقتضیات زمان، دغدغه اصلی همه اندیشمندان مسلمان قرن حاضر بوده است، به‌ویژه اهتمام به نهاد خانواده در میان جوامع و ملل سبب گردیده که این دغدغه تشدید شده و توجه خاصی به آن مبذول شود. تولید نسل یکی از اهداف مهم زناشویی است که اگر این امر مهم صورت نگیرد کانون خانواده را سردی‌ها و بی‌مهری‌ها فرا گرفته و از طلاق سخن به میان می‌آید برای جلوگیری از گسستن حلقه عاطفی خانواده باید به روش‌های مقابله با نازایی توجه شود. یکی از این روش‌ها تکنیک‌های باروری کمکی است (۱).

در بعضی موارد علل ناباروری به گونه ای نیست که با تجویز دارو یا روش‌های پیشرفته درمان ناباروری بتوان آنها را رفع کرد. برای مثال در بعضی زنان به خاطر سن بالا، یائسگی زودرس و اختلالات دیگر، علیرغم سالم بودن ارگان‌های باروری به علت نداشتن تخمک از امکان باروری محروم اند. برای تولید نسل در این افراد تنها راه باروری دریافت تخمک اهدایی از یک داوطلب است. در محیط آزمایشگاه تخمک اهدایی توسط اسپرم‌های مرد که همسر گیرنده تخمک است لقاح می‌یابد و جنین حاصله از این لقاح به رحم زن نابارور منتقل می‌شود. اولین کودک حاصل از اهدای تخمک در جهان در سال ۱۹۸۴ میلادی متولد شده است و این روش هم اکنون در کشور ما پس از طی مراحل شرعی و قانونی آن سالهاست که مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در ایران استفاده از برخی از روش‌های درمان ناباروری از حدود سال ۱۳۹۰ رواج یافته است باوجود این نظرات موافق و مخالف فقهای معاصر در خصوص وضعیت شرعی بودن و یا نسبت افراد در استفاده از این روش‌ها، مردم و پزشکان را با تردید مواجه ساخته است، این تردید و ابهام در وضعیت احوال شخصیه فرزند متولد از باروری‌های آزمایشگاهی و نیاز شدید زوجین نیازمند به فرزنددار شدن به هر طریق ممکن، قوه مقننه را به تصویب قانون نحوه اهدای تخمک به زوجین نابارور هدایت نمود (۲).

یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین روش‌ها در برنامه‌های باروری کمکی در ۲۰ سال اخیر روش اهدای تخمک بوده است. اهدای تخمک در انسان برای اولین بار در سال ۱۹۸۳ در یک بیمار مبتلا به نارسایی زودرس تخمدان به روش لقاح آزمایشگاهی با موفقیت انجام شد، این روش غالباً در صورتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نقص باروری زوجین در زوجه باشد و زوج مشکل باروری نداشته باشد. در این صورت تخمک سالم و قابل بارور را از یک زن دیگر به نام زن صاحب تخمک تهیه و برداشت می‌کنند. همچنین اسپرم قابل بارور را نیز از شوهر زن صاحب رحم یا پذیرنده تهیه می‌کنند و پس از بارور سازی دو سلول در محیط آزمایشگاه و لقاح اسپرم و تخمک و تکثیر سلولی سلول‌های لقاح شده در مرحله تکثیر ۸ سلولی تعدادی از سلول‌های بارور شده را به لوله رحم زن پذیرنده منتقل می‌کنند. در صورت موفقیت‌آمیز بودن

در مجموع باید به این دو سوال پاسخ داد که آیا تخمک اهدایی در باروری مشکلی را برای نسب فرد متولد شده به وجود نمی‌آورد و جنین بوجود آمده از تخمک اهدایی دارای نسب معتبر می‌باشد؟ و سوال دوم اینکه، آیا جنین متولد شده از تخمک اهدایی از تمام حقوق و تکالیف یک فرزند مشروع و قانونی که بصورت طبیعی متولد شده باشد از جمله حضانت، نفقه، ولایت، محرمیت، ارث و... بهره مند می‌گردد؟

با وجودی که این امر از مسائل مستحدثه و جدید است و در فقه اسلام، مبحث مستقلی در این خصوص به میان نیامده است ولی صاحب نظران فقهی هر کدام با استناد به دلایلی در مورد جواز یا عدم جواز این عمل اظهار نظر نموده و جهت‌گیری‌های متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند.

در باب اهدای تخمک موضوعات متعددی مورد پژوهش قرار گرفته است که هریک به نوعی این مفهوم را در راستای بررسی‌های شرعی بودن یا نبودن، ملاحظات اخلاقی، فقهی و... مورد بررسی و تحقیق قرار داده‌اند. در راستای بررسی اهدای تخمک، محققان موضوعاتی را همچون ملاحظات فقهی، اخلاقی و حقوقی اهدا و اشتراک تخمک در ایران (۵)، درآمدی بر مبانی حقوقی درمان ناباروری (۶)، رضایت اهداکنندگان از اهدای تخمک و تمایل به اهدای مجدد: یک مقاله مروری سیستماتیک (۷)، ملاحظات اخلاقی در اهدا گامت و جنین (۸)، بررسی جنبه های مشاوره‌ای قانونی و فقهی گامت اهدایی در ایران: مطالعه مروری (۹)، مقایسه میزان حاملگی در خانم‌های دارای عملکرد تخمدانی و بدون آن در سیکل‌های لقاح آزمایشگاهی با تخمک اهدایی (۱۰)، حکم استفاده از اسپرم و اوول اهدایی (۱۱)، رهیافتی فقهی به معیار مشروعیت باروری زوجه توسط گامت بیگانه (۱۲)، بررسی وضعیت ارث و نفقه کودک‌های متولد شده ژنتیکی ناشی از اسپرم‌های اهدایی در حقوق ایران (۱۳)، تاثیر انحلال نکاح در مرحله نهایی انتقال (ترانسفر) گامت یا جنین (خودی یا اهدایی) (۱۴) انجام داده‌اند. نوآوری در پژوهش از موضوعات حائز اهمیت است. پژوهش‌هایی که به موضوعات مرتبط با ارث و امثال آن انجام شد، بصورت یکپارچه آثار حقوقی بسیار کمتری را نسبت به تحقیق حاضر بررسی نمودند. در تحقیق اخیر هم که توسط برخی (۱۵) انجام شد، به آثار ارث و نفقه اهدای اسپرم پرداخته شده است نه تخمک. لذا در مجموع پژوهش حاضر در حوزه اهدای تخمک (و نه اسپرم یا جنین) موضوعات مرتبط با آثار حقوقی آنرا بررسی نموده است. از طرفی در ایران به جز اهدای جنین که دارای قانون کشوری و دستورالعمل وزارت بهداشت است سایر روش‌های اهدا، فاقد قانون کشوری بوده و تنها بر اساس فتوای مراجع تقلید مجوز انجام دارد که به طور طبیعی در بین مراجع نیز اختلاف نظر وجود خواهد داشت. از طرفی باتوجه به نوع قوانین، قوانین مرتبط با نسب و آثار حقوقی آن همچون ارث، حضانت و... نیز وابسته به نظریات فقهی و قانونی می‌باشد. با در نظر گرفتن پژوهش‌های پیشین که در حوزه‌های مرتبط با اهدای اسپرم و جنین انجام شد و باتوجه به مشکلاتی که زوج‌ها به منظور فرزندآوری داشته‌اند، سولاتی در ارتباط با آثار حقوقی

انتقال و پذیرش جنین توسط رحم متقاضی، اصولاً بارداری شروع و جنین در رحم متقاضی به رشد طبیعی خود ادامه می‌دهد. در این روش جنین از سلول‌های جنسی شوهر زن صاحب رحم یا پدر قانونی نشأت می‌گیرد و از لحاظ ژنتیکی با پدر قانونی مرتبط است و بنابراین هم از زنها و سلول‌های پدر متقاضی به وجود آمده و هم همان پدر صاحب اسپرم نیز متقاضی فرزند است و به این جهت به چنین پدری، باید پدر واقعی اطلاق نمود زیرا هم عالم حقوق او را پدر می‌شناسد و هم جهان پزشکی. در این روش، جنین با زن صاحب رحم ارتباط ژنتیکی ندارد زیرا از تخمک و سلول جنسی زن دیگری بنام اهداکننده تخمک بوجود آمده است و به این جهت به این روش، روش اهدای جنین اطلاق شده است (۳). اهدای تخمک مشکلاتی از جمله ترکیب اسپرم مرد با زن غیرهمسر (یا اجنبی) خود می‌باشد که از نظر نسب و شرع می‌تواند مشکل ساز باشد. از طرفی وقتی اسپرم مرد با یک زن دیگر ترکیب می‌شود، باید بررسی کرد که مادر فرزند، فرد اهداکننده تخمک می‌باشد یا فرد صاحب رحم. چراکه از یک طرف زن جنین از زن فرد صاحب تخمک اخذ شده و این درحالی است که جنین از خون مادر صاحب رحم تغذیه کرده است و از گوشت و خون فرد صاحب رحم می‌باشد. از طرفی زایمان و درد ناشی از آن نیز توسط فرد صاحب رحم تحمل شده است. لذا اکنون مسئله اصلی این است که روش‌های اهدای تخمک که در جوامع بشری کاربرد دارد، از نظر بحث نسب و ارتباط آن با افراد صاحب تخمک، رحم و اسپرم چگونه و به چه صورتی می‌باشد؟

در روش تلقیح مصنوعی که متعاقب آن، با بارورسازی تخمک و تشکیل جنین، انتقال جنین صورت می‌گیرد. باتوجه به این که تخمک مورد نظر اهدایی و متعلق به یک زن اهداکننده می‌باشد و با زن صاحب رحم ارتباط ژنتیکی ندارد، بسیاری از فقها که در همین مقاله به آن اشاره می‌شود، مادر طفل حاصل از جنین تخمکی را همان زن صاحب تخمک یا اهداکننده می‌دانند و زن پذیرنده یا صاحب رحم را مادر تلقی نمی‌کنند (۴). در مجموع درمان ناباروری زوجه توسط تخمک بیگانه موجب عکس‌العمل و مخالفت‌هایی از سوی فقها شده است، خصوصاً این مخالفت در رابطه با باروری زوجه توسط تخمک زن بیگانه از صراحت بیشتری برخوردار است، به گونه‌ای که اکثر فقها این را مصداق زنا و مخالف با حفظ عفت زوجه تلقی نموده‌اند (۱) و این موضوع نیز بخودی خود باعث تردید در نسب نوزاد شده است. با سکوت حقوق ایران در مورد صحت یا بطلان عمل تلقیح مصنوعی زن با اسپرم بیگانه و همین‌طور ممنوعیت یا عدم ممنوعیت ارتکاب این عمل، برابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی رجوع به فتاوی معتبر مرجع آراء فقها برای استنباط حکم، الزامی است. در همین راستا اگر چه در اصل ۱۶۷ قانون اساسی، وظایف و تکالیف زوجین و طفل از نظر حضانت و نفقه مشخص شده است، ولی مسائلی از قبیل نسب، ارث، ولایت در نکاح، دماء، عاقله و حق حد قذف و... بدون پاسخ مانده است.

اگرچه در لغت و عرف، کودک متولد از زنا نیز فرزند محسوب است و براساس رأی وحدت رویه قضایی سال ۱۳۷۶ و به شماره ۱۳۷۶/۴/۶۱۷۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، زانی، پدر عرفی طفل تلقی و کلیه تکالیف مربوط به پدر از قبیل نفقه، نگهداری، تربیت و اخذ شناسنامه را به عهده وی گذاشته است، رابطه اعتباری و عرفی بین کودک و صاحبان نطفه (اسپریم و اوول) وقتی مورد تأیید شارع مقدس قرار می‌گیرد که متکی به تماس جنسی صحیح و قانونی و رابطه زوجیت و یا حداقل اعتقاد به وجود رابطه زوجیت (شبهه) باشد؛ لذا تنها تولد از نطفه کسی موجب برای نسب شرعی نیست (۶ و ۷). در رای وحدت رویه به اینکه پدر، فرد صاحب نطفه است، اشاره شد اما به اینکه مادر صاحب رحم یا نطفه، مادر قانونی می‌باشد یا خیر، اشاره نشده بود.

به نظر می‌رسد، علت عدم انطباق مفهوم نسب در نظریه‌های گوناگون ناشی از نحوه تعریف آنهاست یعنی عده‌ای از حقوق دانان به جای تعریف نسب به تعریف قرابت نسبی که دامنه آن از نسب وسیع‌تر می‌باشد، پرداخته و از نسب تعریفی نکرده‌اند؛ به عبارت دیگر قرابت نسبی و نسب با هم فرق دارند، بنابراین برای روشن شدن بحث لازم است نسب خاص را از قرابت نسبی یا نسب عام تفکیک کرده و هر یک جداگانه تعریف گردد: نسب عام یا قرابت نسبی عبارت است از علاقه و رابطه خونی و حقوقی موجود بین دو نفر که در اثر تولد یکی از آنها از دیگری یا تولد هر دو از شخص ثالث به وجود آمده است. در ارتباط با نسب خاص، علاقه و رابطه خونی و حقوقی بین دو نفر که در اثر تولد یکی از صلب یا بطن دیگری به وجود آمده است. این رابطه وقتی از جانب طفل، مورد نظر قرار گرفته باشد نام «نسب» را به خود می‌گیرد و وقتی که از طرف پدر، مورد نظر واقع شود به نام «ابوت یا رابطه پدری» و وقتی که از جانب مادر متوجه قرار گیرد به نام «رابطه مادری» نامیده می‌شود (۲۰).

#### نسب‌های شرعی در فقه امامیه

اسلام در یک جامعه سالم به برنامه ازدواج و تشکیل خانواده، تأکید زیادی دارد و به توالد و تناسل و طلب فرزند از طریق پیمان ازدواج با وجهه معنوی و شرافتمندانه احترام می‌گذارد. مجاز شدن راه‌های دیگر برای تولید نسل موجب عدم رغبت به تشکیل خانواده و سست شدن بنیان خانواده خواهد شد. هرگاه مردی مجرد بتواند به مؤسسه تجارتي سفارش فرزند دهد یا زنی بتواند در آزمایشگاه تلقیح اسپرم بارور شود، دیگر از خانواده چه می‌ماند (۲۱).

تلقیح اسپرم مرد اجنبی و تخمک زن اجنبیه موجب نقض غرض شارع و تفویت مصالح عالییه خواهد شد (۲۲). لازمه جواز تلقیح نطفه مرد اجنبی و زن اجنبیه، حکم بر جواز تلقیح نطفه پدر به دختر و پسر، به مادر و خواهر و سایر محارم است؛ زیرا: در شمول اباحه ظاهری، فرقی بین محارم و غیرمحارم نیست (۲۳) چیزی که هیچ فقهی حکم به جواز آن نخواهد داد. از مجموع آیات و روایات متشرعه و احکام شرعیه و اصل احتیاط در فروج و جلوگیری از اختلاط انساب، حرمت تلقیح اسپرم مرد اجنبی و

ناشی از اهدای تخمک بالاخص در زمینه نسب که مهمترین آن است، برای آنها ایجاد شده است. لذا این پژوهش سعی نموده است تا خلا پژوهش‌های پیشین را که اولاً کمتر به موضوع اهدای تخمک توجه نموده اند و ثانیاً به موضوع نسب و آثار حقوقی آن کمتر توجه داشته‌اند، برطرف نماید. در همین راستا پژوهش حاضر این موضوع را با تأکید بر اهدای تخمک، حق ولایت، حق حضانت (نگهداری و تربیت طفل)، استفاده از حق نام خانوادگی، حق نفقه، حق ارث، حق اقامتگاه، حق وقف، حق تابعیت، صحت وصیت برای حمل، از نگاه فقهی و حقوقی بررسی می‌نماید که نقطه تمایز دیگری برای این تحقیق است.

#### مواد و روش‌ها

شیوه انجام این تحقیق از نوع توصیفی بوده که طی آن انواع باروری‌های کمکی از منظر فقه و حقوق استخراج و تحلیل شده است. روش اصلی گردآوری مطالب، روش اسنادی است که شامل جمع‌آوری اطلاعات از طریق مراجعه به کتابخانه‌ها، قوانین حقوقی، مراکز اطلاع‌رسانی و مجلات علمی پژوهشی است.

#### ۳. یافته‌ها

باتوجه به اینکه برخی از افراد توانایی تولید تخمک را ندارند اما می‌توانند نطفه تلقیحی را در رحم خود حمل نمایند، از تخمک اهدایی دیگران به منظور تلقیح با اسپرم همسر خود استفاده می‌کنند. در ارتباط با نسب ناشی از تلقیح، صاحب اسپرم، پدر ژنتیکی و بیولوژیکی نوزاد است و تمامی قوانین ارث، حضانت، نفقه و ... مرتبط و در اختیار پدر می‌باشد. از طرفی برخی معتقدند مادر واقعی، صاحب تخمک و برخی معتقدند مادر صاحب رحم و برخی دیگر اعتقاد دارند که هر دو نفر مادر فرزند هستند که در این زمینه ارتباط نسب، ارث، حضانت، نفقه و ... مادر و فرزند بررسی شد.

#### مفهوم شناسی

##### مفهوم و ضابطه نسب

نسب از جمله مفاهیمی است که فاقد حقیقت شرعیه ۱ است. قبل از شریعت مقدس اسلام نیز تگون انسان در اثر ترکیب نطفه مرد و زن منشأ نسب تلقی شده است. رابطه ای که بین کودک و صاحبان نطفه یعنی مرد و زن به صورت عرفی و اعتباری وجود دارد، نسب نام گرفته است. معنای لغوی نسب، نژاد، اصل و خویشاوندی است (۱۷) نسب از لغت مصدر به معنی «قرابت، اصل، نژاد، خویشاوندی، علاقه و رابطه بین دو انسان معنا شده است». حقوق دانان به منظور شناسایی ماهیت حقوقی نسب تعاریف مختلفی ارائه داده اند.

گر یک لفظی را حضرت رسول اکرم، از معنای لغوی ۱ اش به معنای جدید نقل بدهند، به این لفظ می‌گویند حقیقت شرعیه (مظفر، ۱۳۸۱: ۵۵).

ولادت تنها. بر این اساس، برای بیان این امر واقعی و تکوینی، عنوانی به نام «نسب» انتزاع کرده است (۲۵).

قانون در مجموع مواد مربوط به نسب، نظر به پیدایش یکی از دیگری داشته است، منتها راه پیدایش را بنا به دلایل و مصالحی محدود کرده است، حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر راه و شیوه‌هایی به وجود آید که در چارچوب مصالح و مفاد قانون به تولید مثل بپردازند، آیا به صرف اینکه آن راهها در قانون سابقه نداشته و قانون‌گذار به آن تصریح نکرده، نسب ناشی از آنها نباید به رسمیت شناخته شود؟

۵-۱. نسب فرزندان ناشی از باروری های کمکی

با عنایت به بحث‌های گذشته، پیش بینی نسب و آثار فرزندآوری از راه تکنیک‌های باروری کمکی، آسان است و زوجین با کمک ابزار پزشکی راه‌های گوناگونی برای تولید نسل دارند. نسب فرزندان ناشی از این شیوه‌ها به ترتیب زیر بررسی می‌شود.

فرزندان به وجود آمده از حمل همسر و در زمان زوجیت. این روش به شرطی انجام می‌گیرد که انعقاد جنین در زمان زوجیت باشد، خواه تلقیح داخل رحمی باشد (IUI) یا آزمایشگاهی (IVF). ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است، مشروط بر این که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد». همچنین ماده ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ قانون مدنی نیز به این مسائل تصریح نموده‌اند. باتوجه به موضوعات مطرح شده و مسائلی که در ادامه مطرح می‌شود، فقها و حقوق‌دانان اتفاق نظر دارند که اگر اسپرم و تخمک زوجین در زمان وجود رابطه زوجیت ترکیب شود و در اثر آن فرزندی به دنیا آید، فرزند به شوهر زن ملحق می‌شود. برخی از فقها و حقوق‌دانان، نزدیکی زوج و زوجه را به معنای متعارف آن نمی‌پندارند، آن چه اهمیت دارد ترکیب نطفه هاست و راه امتزاج هیچ تأثیری ندارد.

بررسی تحقق نسب در حالت اهدای تخمک

هرگاه زوج بدون اسپرم بارور و زوجه بدون تخمک بارور، اما دارای رحم سالم باشد؛ با استفاده از جنین اهدایی زوج ثالث می‌توان به زوج نابارور کمک کرد. بنابراین جنین به دست آمده از اسپرم و تخمک زوج قانونی، حداکثر تا چهار روز از زمان لقاح به رحم زن منتقل می‌شود. در بحث اهدای جنین، مسأله‌ی وضعیت ارتباط کودک متولد شده با صاحبان اسپرم و تخمک از یک طرف و گیرندگان اسپرم و تخمک از سوی دیگر مطرح است. یکی از محققان حقوقی (۲۵) با تکیه بر عرف، معتقد است:

به طور کلی عرف، طفل را فرزند صاحب نطفه می‌شناسد و بین او و طرفین نطفه رابطه نسب برقرار می‌نماید، خواه انتقال نطفه مرد به رحم زن از راه طبیعی باشد یا از طریق مصنوعی (حتی در مورد زنا هم عرف، طفل را به صاحب نطفه ملحق می‌کند، النهایه قانون در اینجا نظر عرف را رعایت نکرده است) و نیز ماده‌ی وجود ندارد که نظر عرف را در این مسأله انکار نموده باشد. لهذا باید بر

تخمک زن نامحرم در همه انواع تلقیح درون رحم و خارج از آن ثابت است (۲۳) کلیه جنین‌هایی که از راه طبیعی و تماس جنسی معمول بین مرد و همسر شرعی وی تشکیل می‌شود و یا جنین‌هایی که با روش‌های تلقیح درون رحم و یا خارج از رحم با اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی تشکیل می‌شود، دارای نسب صحیح و شرعی و مورد حمایت قانون است. جنین‌های تشکیل شده از اسپرم مرد اجنبی (غیر از شوهر شرعی) و تخمک زن اجنبیه (غیر از زن شرعی) صرف نظر از روش (طبیعی یا مصنوعی) فاقد نسب مشروع و در نتیجه از آثار نسب صحیح از جمله ارث محروم هستند.

امر مذکور مورد خشم و غضب خداوند است و هر کاری که در تحقق آن دخالت دارد نیز مغبوض است. به همین دلیل، علاوه بر حرمت برای مرد، این عمل برای زن نیز حرام است (۲۴). لذا برابر معیارها و قواعد اصولی و فقهی، زنا مفهوم و معنای مشخص و روشنی دارد و نمی‌توان حکم آن را به سایر موارد مشابه سرایت داد، مگر آن که علت قطعی و مصرح یا مناط قطعی موجود باشد. زیرا براساس نظریه مشهور علمای اصول، حکم شرعی بستگی تمام به علتش دارد و علت، معمم و محصص حکم خواهد بود. لیکن در حکمت، حکم دایر مدار آن نیست. و توانایی تسری حکم را از موضوعی به موضوعی مشابه ندارد، پس نسب مصادیقی غیر از زنا، مشروع و قانونی است.

باتوجه به نظرات مخالفی که حول اهدای تخمک زن غیرشرعی صاحب اسپرم وجود دارد، اکنون باید بررسی کرد که مادر حقیقی نوزاد کیست؟ آیا صاحب تخمک مادر کودک محسوب می‌شود یا خیر؟ قانون کدام مادر را به رسمیت می‌شناسد؟ اگر در مباحث حکم وضعی و انتساب قائل شویم که مادر طفل، زن صاحب تخمک است نه صاحب رحم، در نتیجه فرزندی که از طریق تلقیح مصنوعی متولد می‌شود، از دو نفری است که علقه زوجیت با هم ندارند و این از مستنکرآت و مقبوحات در شریعت است و ارتکاز متشرعه آن را قبول نمی‌کند.

این وجه به همه ابعاد اشاره ندارد. چون دلالت بر حرمت در کلیه فروض نمی‌کند، بلکه مفادش همان تفصیل است که اگر زن صاحب تخمک به مرد، اجنبی باشد حرام است، ولی اگر همسر دیگر او باشد اشکالی ندارد، مضاف بر این که برخی در بحث انتساب به مادر، قائل هستند که مادر طفل، زن صاحب رحم است، نه زن صاحب تخمک و برخی می‌گویند که زن صاحب تخمک، مادر حقیقی است.

هنگامی که در تلقیح از اسپرم استفاده می‌شود، کودک به خانواده اجتماعی وابسته است و پدر بیولوژیک شناخته شده ندارد (اسپرم با منشا ناشناخته) و یا اگر پدر بیولوژیک شناخته شده‌ای هم داشته باشد (اسپرم با منشا معلوم) وی حقی در ابراز تعلق فرزند به خودش ندارد.

از نظر دانش پزشکی (عرف خاص)، منشأ پیدایش و ماده سازنده جنین از ناحیه پدر، اسپرم موجود در منی انسان است و در این، تردید نیست. از سوی دیگر، عرف (عام) هم، معیار و ملاک نسب و ارتباط بین دو انسان را پیدایش یکی از دیگری می‌داند، نه

باشد، صاحب اسپرم نمی‌تواند با او ازدواج کند. ایشان نیز به سوره مجادله آیه ۲ استناد کرده‌اند (۲۹).

در این راستا به آیه ۲ سوره مجادله اشاره می‌شود: «... مادرانشان تنها آن کسی است که ایشان را زاییده و با این بیان، حکم ظهار که در جاهلیت بین مردم عرب معروف بود لغو و اثرش را که حرمت ابدی بود نفی کرده...» (۳۰). پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آیه را تلاوت کرد و فرمود درباره ی شما این آیه نازل شده است... و مادر تو کسی است که تو را زاییده، خداوند آمرزید تو را و دیگر از این گونه سخن ها به او نگو...». و در سوره احقاف، آیه ۱۵ بیان می‌شود: «سپس به دلیل حق‌شناسی در برابر مادر پرداخته، می‌گوید: مادر او را با اکراه و ناراحتی حمل می‌کند، و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد...». در سوره لقمان، آیه ۱۴ نیز اینگونه بیان می‌شود: از جمله حقوق بزرگی که مادر به گردن دارد این است که مدتی وی را در رحم خویشتن حمل و نقل می‌کرد، در حالی که تا هنگام ولادتش همچنان بر ضعف و ناتوانی مادرش افزوده می‌شد» (۱۸). همچنین «سپس به دوران بارداری مادر اشاره دارد تا وجدان اخلاقی انسان را تحریک و بیدار کند و به او تذکر دهد که گذشته‌ها را فراموش نکند. همواره به یاد داشته باشد که مادرش او را حمل کرد و از شیریه جانش به او داد» (۳۱) و در ادامه «خداوند مادر را بیش از پدر مورد توجه قرار داده است، زیرا اوست که رنج فرزندان را از ابتدای بسته شدن نطفه در رحم او تحمل می‌کند».

چگونگی استدلال این گروه به آیه‌های مزبور این است که خداوند مادر را چنین توصیف می‌کند: «مادر است که حمل و زایمان می‌کند و رنج و مشقت بارداری و سستی آن را تحمل می‌کند.» پس مفهوم مخالف آن این است که اگر زنی حمل نکند و زناید و مشقت‌های حمل را تحمل نکند، او مادر نیست.

از نظر عقلی هم، فرزند تنها نتیجه تخمک و صفات به ارث برده شده از زن‌ها نیست، بلکه فرزند و به طور کلی انسان نتیجه اقامتش با محیط اطراف است، خصوصاً آن زمانی که به صورت جنین به دیواره‌ی رحم چسبیده و همه وجود و رشد روانی و جسمی وی متأثر از رحم است (۳۲). لذا مادر را افرادی می‌دانند که فرزند را در رحم خود حمل می‌کند و از ابتدای بسته شدن نطفه زحمت حمل آنرا می‌کنند. باتوجه به اینکه در این نظریه‌ها، وابستگی ژنتیکی بین مادر صاحب رحم و فرزند وجود ندارد و از طرفی، فرزند از شیریه جان مادر تغذیه می‌کند، تناقضی ایجاد می‌شود که کدامیک مادر محسوب می‌شود.

نظریه دوم: صاحب تخمک و صاحب رحم هر دو مادر کودک محسوب می‌شوند. در آیات و روایات یا صاحب تخمک مادر معرفی شده یا صاحب رحم، اما با توجه به این که نقش صاحب تخمک و صاحب رحم هر دو در خلقت کودک انکارناپذیر است، بنابراین اطلاق واژه ی "مادر" به هر دوی آنان جایز خواهد بود و می‌توان هر دو را مادر طبیعی کودک دانست. آیت الله موسوی اردبیلی که موافق این نظریه هستند در این رابطه فرموده اند: «اگر جنینی را در حال نطفه یا به صورت علقه یا مضغه یا بعد از دمیده شدن روح در آن، به رحم زن دیگری منتقل کنند و در آن

آن بود که در این مورد رابطه نسب بین طفل و زوجین صاحب نطفه برقرار می‌گردد و طفل ملحق به آن دو می‌باشد.

یکی دیگر از اساتید حقوق با طرح پرسش نقش مقاربت و نزدیکی و دخالت آن در پیدایش نسب معتقد است، با توجه به پاره ای از مواد قانون مدنی، همچون مواد ۱۱۵۸، ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰ که در آن کلمه نزدیکی به کار رفته است، چنین استنباط می‌شود که قانون‌گذار، خصوصیت دیگری را نظیر انجام رابطه جنسی بین زن و مرد (نزدیکی) برای پیدایش نسب، شرط دانسته است و بنابراین در لقاح مصنوعی نمی‌توان حکم بر نسب نمود، زیرا نزدیکی انجام نشده است. یکی دیگر از محققان (۲۶) در پژوهش خود بیان داشت: اولاً کلمه نزدیکی به عنوان فرد شایع و مصداق معمول بیان شده است و قانون‌گذار در مقام بیان این نکته نبوده است که ایجاد نسب منحصر به آمیزش و نزدیکی است. ثانیاً، در مواردی که تفخیز یا مساحقه سبب پیدایش اولاد شود، شرع حکم به نسب داده و طفل مولود را به صاحب نطفه ملحق دانسته است. یکی از اساتید حقوق در این خصوص با بیان نظر فقهی آورده است: تلقیح مصنوعی با نطفه شوهر، امروزه مشکل حقوقی و شرعی ندارد و از لحاظ نسب و آثار و تبعات متفرع بر آن مشکلی ایجاد نمی‌کند. فرزندی که به این ترتیب پدید می‌آید، متعلق به زن و شوهر است و همه آثار مربوط به نسب صحیح و مشروع بر آن بار می‌شود. عمل مزبور علی‌الأصول فاقد جنبه کیفری و ماهیت جرم و حرمت شرعی است. مگر این که در طریق اعمال این روش، عمل حرام و یا احیاناً جرم صورت گیرد که فقط همان عمل، جرم یا حرام است و تأثیری در اصل صحت عمل ندارد (۲۷).

با عنایت به بررسی حقوقی که در موضوع لقاح مصنوعی با اسپرم شوهر صورت گرفت مشخص می‌گردد در حقوق موضوعه اگر چه قانون در خصوص آن ساکت است، ولی مبنای آن مشروعیت فرزند حاصل از لقاح مصنوعی است و بین حقوق‌دانان نظر مخالفی مشاهده نمی‌شود.

بررسی نظریه‌های مرتبط با نسب مادری در اهدای تخمک درمان ناباروری در برخی از حالات، با اهدای تخمک یا دخالت رحم زنی که تخمک از او نیست؛ صورت می‌پذیرد. اکنون سؤال این است که در صورت اهدای جنین، مادر کودک، صاحب تخمک خواهد بود یا صاحب رحم؟ در این زمینه نظرهای مختلفی ارائه شده است:

نظریه اول: صاحب رحم، مادر کودک است. آیت ا... اراکی در اثبات نظریه ی خود این گونه بیان می‌دارد: «نطفه ی زن صاحب تخمک معد بوده برای زن صاحب رحم که این دومی جزو اخیر علت تامه ی به دنیا آمدن بچه بوده است. پس اولاد ملحق به دومی یعنی زن صاحب رحم می‌شود.» (۲۸). آیت الله خامنه ای بیان کرد صاحب تخمک و اسپرم والدین فرزند هستند.

آیت ا... خوبی در منهاج الصالحین بیان کرده‌اند که: «اگر زنی اسپرم مرد اجنبی را در رحم خود قرار بدهد گناه کرده است ولی فرزند به او و صاحب اسپرم ملحق می‌شود و اگر فرزند دختر

در دانش پزشکی به اثبات رسیده که منشاء پیدایش جنین از ناحیه مادر، تخمک زن است. اما در عرف گذشته، راه تشخیص پیدایش فرزند، زایمان بوده است. اما اکنون از طریق علمی ثابت شده است که نطفه جنین، به وسیله تخمک رها شده از تخمدان زن، ایجاد می‌شود (۳۳). بنابراین امارت زایمان مطلق نیست؛ اما قانون‌گذار اسلام برای حفظ آرامش کانون خانواده، اماره بودن زایمان را حفظ کرده است. بنابراین، اگر همان عرف در مورد خاصی یقین داشته باشد که زنی نابارور است، آیا به صرف این که قدرت حمل و زایمان را دارد، او را مادر تلقی می‌کنند؟ در حالی که در عکس این مورد، یعنی زن ناباروری که به علل مختلفی مثل مرگ مادر، زود رسیدن جنین، وجود خطر جانی برای مادر یا فرزند، قدرت ادامه ی حمل و زایمان را ندارد و با عمل جراحی، جنین از رحم بیرون آورده می‌شود و در رحم مصنوعی با مراقبت‌های ویژه رشد می‌یابد، عرف تردیدی ندارد که رحم زن و صاحب رحم، با این وجود که او را نرزیده است، مادر واقعی نوزاد محسوب می‌شود و این دلیلی ندارد، جز این که عرف منشاء پیدایش کودک را به جز زایمان و حمل می‌داند.

در قرآن آیاتی بیان شده که این مطلب را ثابت می‌کنند. خداوند در سوره مؤمنون آیه ۱۴ بیان می‌کند: «همین که از پشت پدر نطفه در رحم مادر مستقر گردید فرشتگان برای صورت بندی آن حضور یافته و می‌گویند پروردگارا این نطفه را پسر یا دختر کنیم هر چه مشیت تعلق بگیرد... چون نطفه در رحم زن مستقر شود در مدت چهل روز تبدیل به خون می‌شود و...».

در روش‌های باروری داخل رحم که منشأ تشکیل جنین، اسپرم شوهر و تخمک زن شرعی اوست، در صورت عدم انجام مقدمات حرام، نسب فرزند متولد شده از این روش‌ها به مرد صاحب اسپرم و زن صاحب تخمک بر می‌گردد. (۳۵، ۳۶، ۲۳). ارتکاب مقدمات حرام موجب عدم الحاق فرزند به صاحبان نطفه نخواهد شد (۳۷، ۳۸).

در صورتی که منشأ تشکیل جنین اسپرم شوهر و تخمک دیگری و یا اسپرم مرد اجنبی و تخمک زن باشد به دلیل حرمت عمل مذکور فرزند به صاحب اسپرم و تخمک ملحق نشده و احکام نسب بر آن جاری نیست (۳۹) آیت الله مکارم شیرازی بیان داشت: استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست، و توگد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد. ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند، متعلق به صاحبان نطفه است، و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می‌باشد، بی آنکه از او ارث ببرد و اشاره دارند که تنها راه، این است که بین مرد و زن دیگری عقد موقت خوانده شود (هر چند اصلاً همدیگر را نبینند) سپس نطفه آن مرد را برداشته و در زمان عقد با تخمک زن ترکیب کنند. و پس از آن، نطفه ترکیب شده را در رحم زن اول بکارند. فرزندی که متولد می‌شود بر آن مرد و زن محرم است، ولی تنها از صاحبان نطفه ارث می‌برد.

آثار حقوقی نسب

با توجه به قبول نظریه ی مشروعیت نسب ناشی از رحم جایگزین (برای مادر خواهان فرزند) و تحقق نسب قانونی در آن، آثار

رحم رشد و پرورش باید و متولد شود، هر دو زن در جمیع احکام، مادر او می‌باشند و این بچه دو مادری محسوب می‌شود. (۳۳). این نظریه بیان می‌کند که فرزند دارای دو مادر است. طبیعتاً فرزند دو مادری وجود ندارد مگر اینکه یکی از آنها را مادر بیولوژیکی دانست و دیگری را مادر رضاعی. آیت الله مکارم بیان می‌کنند: والدین حقیقی، صاحبان جنین می‌باشند هر چند به مادر جانشین و همسر او مطابق مسئله رضاع محرم می‌باشد.

نظریه سوم: هیچ کدام از صاحب تخمک و صاحب رحم، مادر محسوب نمی‌شوند. برخی عامل انتساب فرزند به مادرش را دو عامل می‌دانند:

ارتباط تکوینی و وراثتی فرزند به مادر که به وسیله ی تخمک ایجاد می‌شود.

ارتباط حملی و ولادتی و حضانتی که به وسیله ی رحم محقق می‌شود.

پس زمانی که تخمک از زنی باشد که مسئولیت حمل را به عهده نمی‌گیرد و حامل جنین، زن دیگری است دو عامل انتساب فرزند به مادر در هر یک از صاحب تخمک و صاحب رحم وجود نداشته و هیچ کدام مادر محسوب نمی‌شود (۳۲).

نظریه چهارم: صاحب تخمک و صاحب رحم هر دو مادر رضاعی هستند. آیت الله سیستانی بیان کرد در هر حال، چنانچه بچه‌ای متولد شود، انتساب او به زوجه (صاحب تخمک) یا به صاحب رحم محل اشکال است، بنابراین -به احتیاط واجب- لازم است در مسأله ارث بین آنها مصالحه صورت گیرد، و از این جهت که صاحب تخمک همسر پدر بچه است، محرم بچه می‌باشد و همچنین صاحب رحم (مانند مادر) محرم بچه است. و از طرف دیگر زوج (صاحب اسپرم) پدر شرعی او محسوب می‌شود. بر پایه ی این نظر اگر چه توان هر دو را مادر نسبی به حساب آورد. اما فرزند با هر یک از صاحب تخمک و صاحب رحم یک نوع ارتباطی دارد و هر دو را می‌توان به عنوان مادر رضاعی تلقی کرد؛ زیرا هر دو در پیدایش نوزاد تأثیرگذار و سهم بوده‌اند (۲۲، ۲۳).

۵-۷. نظریه پنجم: صاحب تخمک، مادر کودک است. ملاک مادر بودن در نظر عرف، مانند ملاک پدر بودن است. عرف، زنی را که در نخستین مرحله ی آفرینش و ایجاد و پیدایش جنین سهم دارد، به عنوان مادر تلقی می‌کند. آن زن، جز صاحب تخمک کس دیگری نیست؛ زیرا تخمک وی در نخستین مرحله وجود کودک دخالت داشته و نطفه ی جنین از ترکیب تخمک وی و اسپرم به وجود آمده است، پس از این مرحله، تغذیه، پرورش و رشد جسمانی و روحی جنین هیچ نقشی، جز استمرار بقا و رشد وی ندارد.

ترکیب نظریه‌ها

از این مطالب چنین دریافت می‌شود که بدون هیچ تردیدی، کودک ناشی از اهدای جنین با صاحب تخمک و صاحب رحم، ارتباط دارد؛ اما نکته ی مهم این است که آیا تخمک، ملاک رابطه ی مادری و فرزندی است یا رحم و وضع حمل؟

حقوقی این نسب در حقوق مدنی و با توجه به فقه بررسی می‌شود، برای ورود به این بحث این دو مقدمه ذکر می‌شود:

الف) در مباحث قبلی ذکر شد که فرزند به صاحب اسپرم ملحق می‌شود و در حالت جایگزینی کامل که طفل حاصل از اسپرم و تخمک پدر و مادر حکمی است، بچه به پدر حکمی منتسب است، در نتیجه پدر قانونی طفل در این حالت همان پدر بیولوژیکی یا حکمی است.

ب) اگر پدر و مادر بیولوژیکی را پدر و مادر قانونی طفل بنامیم، این به معنای ترتب کلیه آثار نسب است و به هیچ وجه منظور از نظریه ی پدر و مادر بودن، پذیرش آثار پدری و مادری از لحاظ اجتماعی و روانی نیست؛ به عبارت دیگر پدر و مادر قانونی دارای اثر قانونی هستند.

روش‌های مختلفی برای بارداری مصنوعی وجود دارد. دو روش وجود دارد که در آن تلقیح مصنوعی دارای شبهه و سوال در ارتباط با نسبت فرزند متولد شده با افراد مختلف است. یکی از این روش‌های بارداری که مورد سوال است اینگونه است که جنین از اسپرم مرد و تخمک فرد دیگر تشکیل و در رحم زن شرعی قرار می‌گیرد.

براساس قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب سال ۱۳۸۲ جنین‌های تشکیل شده از زن و شوهر شرعی در خارج از رحم با رضایت آنان و با تأیید مراکز پزشکی مبنی بر بارور نشدن زوجین گیرنده جنین و با اجازه دادگاه به رحم دیگری منتقل می‌شود. با توجه به تشکیل جنین از نطفه مرد و تخمک همسر شرعی وی رابطه نسبی بین جنین و زن و مرد مذکور برقرار و از یکدیگر ارث می‌برند. انتقال این جنین به رحم زن دیگر مانند قرار دادن آن در یک محیط، مناسب رشد است و مشمول اصالة الاباحه است (۳۹، ۴۰، ۴۱، ۳۵). به دلیل عدم وجود رابطه ژنتیکی بین جنین و زن گیرنده، رابطه نسبی و وراثت برقرار نیست و تنها به دلیل ارتزاق جنین در مدت حمل از زن گیرنده، در حکم مادر رضاعی و در نتیجه با وی محرم است (۳۷). با توجه به موضوعاتی که بیان گردید، اگر پدر و مادر را بصورت والدین قانونی طفل بدانیم، بایستی آثار قانونی آنرا نیز بپذیریم. لذا اگر مادر صاحب رحم، مادر واقعی باشد، حکمی که به مادر بودن فردی که با طفل وابستگی ژنتیکی دارد، اطلاق می‌شود، نمی‌تواند جامه عمل بپوشد و با تضاد و تعارض مواجه می‌شود. لذا نمی‌توان به راحتی این حکم را صادر نمود.

یکی دیگر از روش‌های بارداری اینگونه است که اسپرم مرد با تخمک همسر وی تلقیح و در رحم همسر دیگر او قرار می‌گیرد (مادر جانشین). در جواز عمل مذکور تردیدی وجود ندارد و فقها نظر به جواز عمل مذکور داده‌اند (۳۵، ۳۷، ۳۹). در صورت تردید در حرمت عمل، اصل برائت جاری می‌شود (۴۱، ۲۴). در این صورت صاحبان اسپرم و تخمک، پدر و مادر جنین محسوب و رابطه وراثت بین آنها برقرار است. همسر دیگر (صاحب رحم) رابطه نسبی با جنین ندارد و در نتیجه فرزند از وی ارث نمی‌برد لیکن بین وی و جنین رابطه محرمیت برقرار است.

آثار حقوقی نسب ناشی از رحم پذیرنده تخمک که در قانون مدنی نام برده شده است، عبارتند از:

حرمت نکاح، حضانت طفل، ولایت قهری، الزام به انفاق، توارث، وصیت و...

\* حقوق و تکالیف فرزندان ناشی از تخمک اهدایی و والدین آنها در برابر یکدیگر. فرزندان ناشی از روش تخمک اهدایی، دارای حقوق و تکالیفی همانند فرزندان ناشی از راه طبیعی هستند. لذا این حقوق و تکالیف بررسی می‌شود:

حقوق فرزندان ناشی از تخمک اهدایی با استفاده از اسپرم شوهر. با توجه به این که فرزند ناشی از این روش با اسپرم شوهر به وجود آمده است، تمامی آثار حقوقی فرزندان طبیعی را داراست و دارای نسب معتبر نیز می‌باشد و تمامی آثاری از جمله حق حضانت، نفقه، ارث و... به وی تعلق می‌گیرد. این حقوق بصورت مجزا مورد بررسی دقیق تری قرار می‌گیرد:

الف - حق ولایت. ولایت در لغت به معنی حکومت کردن، تسلط پیدا کردن دوست داشتن، یاری دادن، دست یافتن و تصرف کردن آمده است. کلمه قهری در عبارت «ولایت قهری» به معنای جبری و اضطراری است. ۱ ولایت در اصطلاح حقوقی و حقوق مدنی عبارت از قدرت و اختیاری است که برابر قانون به یک شخص ذی صلاح برای اداره امور محجور واگذار شده است. این ولایت اقسامی دارد، ممکن است به حکم مستقیم قانون به شخصی داده شود یا به موجب وصایت و اگذار شده باشد و یا حکم دادگاه برقرار شده باشد. ولایتی که به حکم مستقیم قانون به کسی واگذار شده باشد را اصطلاحاً ولایت قهری می‌نامند.

ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی درباره ی ولایت قهری پدر و جد پدری می‌گوید: طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می‌باشد و همچنین است طفل غیر رشید یا مجنون در صورتی که عدم رشد یا جنون او متصل به صغر نباشد و در ماده ۱۱۸۱ این قانون، ولایت قهری نسبت به این اشخاص را مخصوص پدر و جد پدری می‌داند.

هر گاه محجور، اولیای خاصی نداشته باشد دادگاه، ولایت او را به شخصی واگذار می‌کند که این ولایت را قیمیت می‌گویند و چنانچه شخصی از طرف دادگاه موقتاً برای اداره محجور منصوب گردد، این شخص امین موقت نامیده می‌شود. فرزند ناشی از این روش تا زمانی که به سن بلوغ رشد نرسیده است، تحت ولایت قهری پدر و جد پدری می‌باشد و چنانچه بعد از بلوغ معلوم شود که این فرزند غیر رشید یا مجنون می‌باشد و سقه و جنون وی متصل به زمان صغر باشد باز هم تحت ولایت پدر و جد پدری است و این حقی است برای فرزند که معین شده است. همانند آنچه کاتوزیان (۴۲) نیز بیان داشت، قانون مدنی ما به پیروی از فقه امامیه ولایت قهری را منحصر به پدر و جد پدری می‌داند و مادر هیچ ولایتی بر فرزند ندارد.

- لغت نامه دهخدا ۱

و هم پسر تا ۷ سالگی با مادر است و در مدتی که حضانت با مادر است چنان چه وی مبتلا به جنون شود یا بعد از جدایی، با غیر پدر ازدواج کند، حق حضانت برای پدر خواهد بود و در صورت فوت یکی از ابویین حق حضانت برای دیگری است و اگر کسی که حضانت با اوست امتناع کند، حاکم (مدعی العموم) با تقاضای دیگری با اقرباء یا قیم او را ملزم می‌کند و در صورتی که الزام ممکن نباشد، حضانت را به خرج او تنظیم می‌کنند.

با توجه به آنچه ذکر شد، فرزند ناشی از تخمک اهدایی، با اسپرم مرد و تخمک زن از کلیه حقوق و مزایای مربوط به حضانت برخوردار است و پدر و مادر هم حق و هم تکلیف به حضانت دارند که کلام فقیهان این امر را تأیید می‌کند. در تقابل برای حضانت فرزند بین فرد اهداکننده تخمک و مادر صاحب رحم، از یک طرف موافقان معتقدند حق حضانت و نگهداری برای مادر صاحب رحم می‌باشد چرا که مادر صاحب رحم باید به فرزند شیر دهد و از آن نگهداری کند. و برخی دیگر معتقدند حق حضانت با پدر صاحب اسپرم و سپس مادر صاحب تخمک است. البته بانوجه به اینکه حضانت فرزند به عهده مرد است، مرد می‌تواند این موضوع را به زن صاحب تخمک یا صاحب رحم انتقال دهد. این نکته باید ذکر شود که قوانین مربوط به حضانت از قوانین امری است و والدین نمی‌توانند با قراردادهای خصوصی این حق را از خود سلب و به دیگری واگذار کنند.

ج - حق نفقه. نفقه در لغت به معنای هزینه، خرج و خرجی و مایحتاج معاش آمده است و معنای اصطلاحی آن هم نزدیک به معنای لغوی است. ماده ۱۱۹۶ و ۱۱۹۹ قانون مدنی در این باره می‌گوید: نفقه اولاد بر پدر است و بیان می‌دارد که اقارب نسبی، در خط عمودی فقط ملزم به انفاق به یکدیگر می‌باشند که شامل اقارب عمودی صعودی و نزولی می‌شوند. نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و وسایل خانه به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت انفاق کننده به هر صورت فرزند از پدر و جد پدری حق مطالبه نفقه را دارد. با توجه به این که فرزند ناشی از تخمک اهدایی با اسپرم شوهر فرزند قانونی است، لذا نفقه حق کودک است و پدر طبق قانون چه در دوران حمل و چه پس از آن ملزم به پرداخت نفقه می‌باشد.

اما سؤال این است که الزام به نفقه از سوی زوج به خاطر کودکی است که زن حمل می‌کند؟ یا به خاطر وجود خود زن است؟ در پاسخ، گروهی نقنه را برای خود زن و گروهی به خاطر کودک دانسته‌اند.

کسانی که نفقه را به خاطر جنین می‌دانند می‌گویند: پدر از باب نفقه اقارب به فرزند خود که در حال حمل است به زن باردار نفقه می‌دهد و چون جنین نمی‌تواند به طور مستقیم از دهان تغذیه نماید، لذا نفقه به مادر داده می‌شود تا بوسیله خون او به تغذیه جنین برسد. اما در مقابل گروهی معتقدند که جنین خود به خود وجود مستقلی ندارد، لذا پاره ای از بدن مادر است و پدر به خاطر حمل، تکلیفی به انفاق ندارد و وضع خاص زن سبب میشود که نفقه او به عهده ی مرد صاحب اسپرم گذارده شود. بنابراین مبنای استحقاق زن، وضع خاص اوست (۲۱).

بانوجه به توضیحات ارائه شده، در مورد تخمک اهدایی که با ترکیب اسپرم مرد با زن دیگر(به عنوان مثال همسر دوم جهت لقاح اسپرم و تخمک) شکل می‌گیرد، نه صاحب تخمک و نه مادر صاحب رحم بر فرزندی که از این راه متولد شود، ولایت نخواهند داشت. در مجموع هر کس صاحب اسپرم باشد، این ولایت را بر عهده دارد.

ب - حق حضانت (نگهداری و تربیت طفل). فقهاء در تعریف حضانت بیان داشتند که «حضانت ولایتی است بر کودک که فایده ی آن تربیت و پرورش کودک است و انجام چیزهایی که به مصلحت اوست، از نگهداری کردن، در گهواره خواباندن، پاکیزه نمودن و مانند اینها.» (۴۳)

کاتوزیان (۲۱) در تعریف حضانت بیان داشت که «حضانت عبارت است از اقتداری که قانون به منظور نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنان اعطا کرده است، در این اقتدار حق و تکلیف به هم آمیخته است.» برخی از محققان (۳۰) بیان داشتند «حضانت نگاه داشتن طفل، مواظبت و مراقبت او و تنظیم روابط با خارج است، با رعایت حق ملاقات که برای خویشان نزدیک طفل شناخته شده است.» در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی درباره حضانت آمده است که: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند با توجه به نص صریح این ماده، حضانت علاوه بر جنبه جسمی شامل جنبه معنوی و اخلاقی نیز می‌شود.

حضانت از دو عنصر نگهداری و تربیت طفل تشکیل شده است. این دو عنصر در عمل جدا ناپذیرند؛ زیرا شیوه نگهداری کودک در پرورش استعدادها و مؤثر است و زمینه ی آموزش به او را نیز فراهم می‌سازد، برآورده کردن نیازهایی مانند تهیه غذا، مسکن و لباس و پرستار در زمره ی کارهای مربوط به نگهداری است، ولی هدایت او در شناسایی محیط و آموختن تجربه ی زندگی و عادات و رسوم آن و تأمین وسیله تحویل و مانند اینها در شمار تکالیف مربوطه به تربیت کودک است (۲۱).

بانوجه به اینکه وظیفه تربیت و بزرگ کردن فرزند به عهده پدر است، حضانت به عهده او می‌باشد. ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی، نگهداری طفل را هم حق و هم تکلیف ابویین دانسته است و ماده ۱۹۶۹ قانون مدنی بیان می‌دارد که طفل را نمی‌توان از ابویین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست، گرفت، مگر در صورت وجود علت قانونی. بعبارتی اگر فرد اهداکننده تخمک را مادر کودک بدانیم، با طی مراحل قانونی قبل از اهدای تخمک می‌توان این حق را به مادر صاحب رحم منتقل کند. همانگونه که از بندهای ۱۱۶۸ تا ۱۱۷۹ قانون مدنی برداشت می‌شود، فرزندان بدسرپرست یا بی‌سرپرست به خانواده هایی جهت نگهداری و بزرگ کردن واگذار می‌شود و از نظر قانونی، فرزند شناسنامه ای آنها می‌شود. حتی بدون توجه به اینکه هیچ رابطه نسبی با یکدیگر ندارند. این قانون اذعان می‌دارد که نگهداری طفل هم برای دختر

این فرزند از اقارب و همچنین اقارب از او این است که موجبات ارث فراهم باشد و موانع ارث وجود نداشته باشد. یکی از شرایط وراثت، زنده متولد شدن می‌باشد و اگر فرزند حمل باشد، باید نطفه او در زمان مرگ پدر منعقد شده باشد و زنده هم متولد شود. ماده ۸۷۵ قانون مدنی هم به این مطلب اذعان دارد: شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است، اگر حمل باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود، اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد.

در این جا این نکته قابل بررسی است که اگر جنین حاصل از اسپرم و تخمک اهدایی در محیط آزمایشگاه تشکیل گردد و در این مدت که جنین در آزمایشگاه است، پدر بیولوژیکی فوت کند، آیا این فرزند پس از آنکه از رحم مادر متولد شد، از ارث پدر بهره ای خواهد برد؟ در پاسخ می‌توان گفت چون جنین در هنگام مرگ پدر تشکیل شده است (ولی در محیط آزمایشگاه) در عرف به جنین متشکله در محیط آزمایشگاه نیز حمل می‌گوید و به شرط این که این جنین زنده به دنیا بیاید، می‌توان گفت جنین جنینی با تحقق این ۳ شرط شخصیت و اهلیت تمتع حقوقی جنین کامل شده و استقرار می‌یابد و استحقاق ارث را نیز از مورثین دارد. به شرطی که زنده به دنیا بیاید. با این شرایط چنانچه انعقاد نطفه به طور طبیعی بعد از فوت مرد و یا با روش‌های مصنوعی پس از فوت وی صورت بگیرد، جنین تشکیل شده در این حالت از پدر خود ارث نمی‌برد. علت این امر این است که در لحظه انعقاد نطفه، مورث جنین یعنی پدر او در قید حیات نبوده است. به صراحت ماده ۸۷۵ قانون مدنی شرط وراثت زنده بودن حین فوت مورث است و اگر حملی باشد، در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد. شهیدی (۲۵) نیز بیان داشت، لحظه انعقاد نطفه از راه آزمایشات پزشکی و یا با استفاده از امارات قانونی احراز می‌گردد. برابر ماده ۱۱۵۸ طفل در زمان زوجیت ملحق به شوهر است، مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد، حمل، شرط وراثت او دانسته شده است.

و) حق اقامتگاه. اقامتگاه هر شخص محل سکونت اوست و طبق قانون مدنی اقامتگاه صغیر یا محجور، اقامتگاه ولی با قیم آنهاست (۴۵). اینگونه باید تحلیل کرد که چون فرزند ناشی از رحم جایگزین با استفاده از اسپرم و تخمک زوجین، مشروع و معتبر است، لذا اقامتگاه وی همان اقامتگاه پدر یا جد پدری اش است و بر مبنای کسانی که فرزند مذکور را تنها به مادر ملحق می‌دانند، در این صورت چون مادر سرپرست و قیم اوست، لذا محل اقامتگاه طفل همان محل اقامتگاه مادر صاحب رحم است. باتوجه به اینکه مادر صاحب رحم است که می‌تواند به کودک شیر دهد، اقامتگاه می‌تواند نزد مادر صاحب رحم نیز باشد. اما نکته اینجاست که وقتی قانون، مادر صاحب تخمک را مادر طفل می‌داند، پس اقامتگاه باید نزد مادر صاحب تخمک باشد.

ح) حق وقف. به تحبیس عین وقف گویند و هر کسی می‌تواند از این حق در زندگی خود بهره مند گردد و چون جنین و حمل دارای

همان طور که گذشت، از آن جا که از نظر بیولوژی، صاحب تخمک یکی از عوامل اصلی تشکیل دهنده جنین بوده است و با ترکیب اسپرم و تخمک است که حیات انسان آغاز می‌شود، لذا در نظام خلقت فقط عوامل تشکیل دهنده نطفه، پدر و مادر شمرده می‌شوند، اگر چه نقش صاحب رحم (مادر خواهان فرزند) در به ثمر رسیدن این نطفه بسیار قابل توجه است، اما نفقه این کودک با توجه به ماده ۱۱۹۹ ق.م. بر عهده پدر است و پس از فوت او یا عدم .. قدرت او بر انفاق، به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب و در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه به عهده مادر است، چون در موضوع بحث ثابت شد که صاحب تخمک، مادر است، بنابراین موظف به تأمین نفقه میباشد و این تکلیف به اجداد و جدات مادری نیز با توجه به ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی نیز سرایت می‌کند.

نکته ای که در اینجا قابل تأمل است، این که صاحب رحم از آن جهت که مدتی جنین را در رحم خود پرورش داده و در تکون طفل نقش داشته است حکم رضاعی بر او یار می‌شود، چگونه است که از نظر حضانت و نفقه هیچ مسئولیتی متوجه او نیست؟

در پاسخ می‌توان گفت که به دلیل جدید بودن این موضوع، در قانون مدنی حکمی مشاهده نمی‌شود و حقوق دانان نیز هنوز چندان به این بحث نپرداخته اند، اما شاید فعلاً قانون‌گذار تکلیفی را از جهت تفقه بر عهده مادری که خواهان فرزند است یا همان صاحب رحم نگذاشته است، ولیکن شاید بتوان ادعا نمود که همان گونه که مادر رضاعی با وجود ایجاد بعضی از آثار حقوقی مثل: حرمت نکاح بین او و کودک یا حرمت نکاح بین کودک رضاعی با برادران و خواهران رضاعی و یا بین کودک رضاعی و مادر رضاعی، توارث و یا تکلیف به انفاق وجود ندارد، می‌توان در مورد مادر صاحب رحم نیز قائل به خصوصیات و احکام خاص شد و همانگونه که صمدی اهری (۴۴) بیان داشت: تکلیف انفاق برای مادر جانشین وجود ندارد و این کودک از جهت نفقه با صاحب رحم هیچ رابطه حقوقی ندارد.

د) استفاده از حق نام خانوادگی. چون فرزند ناشی از رحم جایگزین از اسپرم و تخمک والدین بیولوژیکی است، به پدر و مادر بیولوژیکی ملحق می‌گردد و از طرفی هم فرزند باید از نام خانوادگی برخوردار باشد. لذا به استناد تبصره ماده ۴۱ قانون ثبت احوال مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵ با اصلاحیه های بعدی که بیان داشته، نام خانوادگی فرزند با همان نام خانوادگی پدر خواهد بود، اگرچه شناسنامه فرزند در قلمرو و اداره ثبت احوال دیگری صادر گردد، نام خانوادگی پدر به فرزند داده می‌شود و بنابر عقیده ی کسانی که فرزند را به مادر ملحق می‌دانند، نام خانوادگی او نیز نام خانوادگی مادرش خواهد بود.

ه) حق ارث. ارث در لغت به معنای ترکه و مالی است که از متوفی به جا مانده است. در اصطلاح حقوقی به انتقال دارایی متوفی به ورثه را ارث گویند. فرزند ناشی از تخمک اهدایی با اسپرم و تخمک به پدر و مادر ملحق و نسب آن قانونی است و مادر صاحب رحم، مادر قانونی او نمی‌باشد. لذا از کلیه ی اقارب ارث می‌برد و کلیه ی اقارب هم از او ارث می‌برند. شرط ارث بردن

قادر به تأمین هزینه حضانت و تربیت نباشد بر عهده مادر خواهد بود و پدر و جد پدری به عنوان ولی قهری موظفند فرزند مزبور را نگاهداری و اموال آنها را حفاظت نمایند، که از این جهت نیز چنین فرزندی با فرزند ناشی از روابط جنسی تفاوتی ندارد. صمدی (۲۵) نیز بیان داشت در صورت فقدان پدر و جد پدری، وصی منصوب از طرف آنها به عنوان ولی قانونی، نگاهداری و تربیت چنین فرزندی را به عهده می‌گیرد و موظف است اموال او را اداره نماید.

#### نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق بررسی نسب و احکام حقوقی فرزندان متولد شده از باروری با تخمک اهدایی با تأکید بر استفاده از رحم مادر خواهان بچه بوده است. بدین منظور بایستی به منشاء اسپرم، تخمک و تشکیل جنین توجه کرد. نتایج نشان داد که جنین‌های تشکیل شده از اسپرم مرد و تخمک همسر شرعی وی در کلیه روش‌های تشکیل جنین و انتقال آن صرف نظر از مقدمات آن به مرد و زن مذکور منسوب و دارای نسب شرعی هستند. وقتی جنین تشکیل شده به رحم جایگزین، از مادر صاحب رحم متولد می‌شود، مادر صاحب رحم، مادر رضاعی می‌باشد اما فرزند از مادر صاحب تخمک و پدر صاحب اسپرم ارث می‌برد و مابقی موارد همچون حضانت و ... نیز به همین ترتیب صادق است.

در ارتباط با پژوهش‌های آتی یکی از موضوعات مرتبط فرد اهداکننده اسپرم است. به همان اندازه که کودک از حق طبیعی خود به منظور شناخت پدر و مادر برخوردار است، پدر بیولوژیک و مادر صاحب رحم نیز حق دارد از سرنوشت خود آگاه باشد. به همین جهت پرسشی جدی تر نیز قابل طرح است و آن اینکه، آیا پدر بیولوژیک از عواقب اهدای اسپرم خود و مادر اجاره دهنده رحم از عواقب اجاره رحم خود مطلع است یا تنها با انگیزه دریافت پول، این کار را انجام می‌دهد. سوال مهمتر اینکه اسپرم اهدایی آیا بصورت شرعی تلقیح شده یا خیر و ورود نطفه تشکیل شده از مرد اجنبی به رحم زن متاهل اجاره دهنده رحم شرعی می‌باشد یا خیر؟

#### References

1. Nazari Tavakoli, S. Fertility with donated ovum and investigation of its legitimacy and effects in Islamic jurisprudence, Medical jurisprudence, 2013(1391), 20 and 21, 121-140.
2. Barani, N. A review of the causes of infertility and its prevention factors. National Conference on Interdisciplinary Research in Management and Medical Sciences, 2021(1400), 2, 48-42.
3. Naibzadeh, A. Artificial belief. Tehran, Majd Publications, 2013(1391).

اهلیت تمتع و شخصیت حقوقی است، حق برخورداری از وقف را دارد. قانون مدنی به این مطلب اشاره دارد که: «وقف بر معدوم صحیح نیست، مگر به تبع موجود» (۴۵). چنانچه چنین حقی برای جنین برقرار شد، چون قبض در وقف شرط لزوم است، لذا قبض در وقف به وسیله ی نماینده ی قانونی جنین، مثل ولی او صورت می‌گیرد و ولی طفل هم شوهر زن می‌باشد.

ط) حق تابعیت. در تخمک اهدایی که جنین متشکل از اسپرم و تخمک حکمی می‌باشد، چنانچه فرزند را ملحق به والدین حکمی بدانیم، مطابق قانون مدنی که در آن آمده است: کسانی که پدر آنها ایرانی است، اعم از این که در ایران یا در خارج متولد شده باشند، تبعه ایران محسوب می‌شوند. لذا به این فرزند تابعیت پدر داده می‌شود. چون تحمیل تابعیت در حقوق ایران بر اساس اصل خون است و در این جا هم چون فرزند متعلق به پدر است و در زمان زوجیت به وجود آمده است، هر چند در فراش دیگری متولد شده باشد و از اسپرم و تخمک زن دیگر و شوهر نیز می‌باشد، لذا باید طبق قانون مدنی تابعیت را به فرزند تحمیل کرد (۴۵).

ی) صحت وصیت برای حمل. یکی از حقوق حمل، وصیت برای ایشان می‌باشد، همان طور که ماده ۸۵۱ قانون مدنی بیان داشته است: وصیت برای حمل صحیح است، لیکن تملک او منوط است بر این که زنده متولد شود و همچنین ماده ۸۵۰ همین قانون مدنی بیان داشته که موصی له باید موجود باشد و بتواند مالک چیزی بشود که برای او وصیت شده است. پس شرط کسی که برای او وصیت می‌شود این است که موجود باشد. اما آیا وصیت برای رویان منجمد شده صحیح است یا نه؟ با توجه به اطلاق ماده ۸۵۰ قانون مدنی باید گفت که وصیت صحیح است، چون موجود است، اما با عنایت به ذیل ماده ۸۵۰ و ۸۵۱ قانون مدنی این طور فهمیده می‌شود که مالک اصلی برای برخورداری از وصیت حملی است که در آینده عادتاً بتواند یک انسان باشد و این ملاک با توجه به خصوصیت رویان منجمد شده که آن (اسپرم و تخمک) از بین می‌رود و اگر به رحم مادر یا دستگاه پرورش انسان منتقل نشود، کلا ضایع خواهد شد، لذا صحت وصیت برای آن محل تردید است و اصل عدم حاکم می‌شود. اما در موضوع این پژوهش چون حمل متعلق به پدر و مادر صاحب تخمک است، لذا وصیت برای آن صحیح است هر چند در رحم مادر پرورش پیدا کند، اما به شرط این که حمل زنده متولد شود. لذا با توجه انتساب فرزند با زن صاحب تخمک، وصیت مادر بیولوژیک در حکم ایشان می‌تواند انجام شود.

#### سایر روابط مالی

در این زمینه می‌توان هزینه حضانت و تربیت و آموزش حرفه و فن مناسب که با استعداد فرزند متناسب باشد و همچنین تعهد حفظ اموال فرزند را به عنوان سایر روابط مالی مطرح کرد. فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر مثل فرزند ناشی از روابط جنسی زن و شوهر است بنابراین حضانت و تربیت این فرزند بر عهده والدین آنها است و هزینه حضانت و تربیت در درجه اول بر عهده پدر و در صورتی که پدر فوت شده باشد یا

- legitimacy of wife's fertility by alien gamete. *Medical law*. 2016; 11(42): 41-64.
13. Marufkhani Behrouz, Elhowi Nazari Mehdi. Investigating the status of inheritance and alimony of genetically born children due to donated sperms in Iranian law. *Jurisprudence, Law and Penal Sciences*. 2019;5(15):72-80.
  14. Oudi Mona, Omani Samani Reza, Alizadeh Leila. Fiqh, ethical and legal considerations of egg donation and sharing in Iran. *Iranian Journal of Medical Ethics and History*. 2013;5(3):21-29
  15. Marufkhani Behrouz, Elhowi Nazari Mehdi. Investigating the status of inheritance and alimony of genetically born children due to donated sperms in Iranian law. *Jurisprudence, Law and Penal Sciences*. 2019;5(15):72-80.
  16. Milani Far Alireza, Shahbazi Mohammad Hossein, Behjati Ardakani Zohra, Akhundi Mohammad Mehdi. The effect of dissolution of marriage in the final stage of gamete or embryo transfer (self or donor). *his foot* 2016;6(4):415-418.
  17. Moin, M. Farhang Farsi, Tehran, Amir Kabir, 1985(1364).
  18. Najafi, M.H. *Javaher Kalam*, 6th edition, Tehran, Darul Kitab al-Islamiya, 1989(1368), volume 41.
  19. Mohaghegh Helli, A.N.J.B.A. *Sharia'e al-Islam*, Volume 2, Qom, Dar al-Tafsir Publications, 2013(1391).
  20. Katouzian, N. *Introductory course on family civil rights*, Mizan Publishing, 2012(1390), 31 & 402.
  21. Sadeghi Moghadam, M.H. *Legal foundations and requirements of the law, the method of infertile embryo donation*. Publication: Nameh Mofid, 2013(1391), 60-31
  22. Safi Golpaygani, L.A. *Surveys and theories*, Rahmanoun Quarterly, 1992(1371), 2 & 98, 218.
  23. Haram Panahi, M. *Artificial insemination*, Qom: Tebian Cultural and
  4. Afshari, P. Rahmani Khalili, A. Pejhan, A. Factors and social consequences of infertility in Shia and Sunni women. *Iran Social Development Studies*, 2019(1397), 12 (3), 103-115.
  5. Oudi Mona, Omani Samani Reza, Alizadeh Leila. Fiqh, ethical and legal considerations of egg donation and sharing in Iran. *Iranian Journal of Medical Ethics and History*. 2013;5(3):21-29.
  6. Nazari Tavakoli Saeed. An introduction to the legal foundations of infertility treatment. *Islamic theology and education (Islamic studies)*. 1386;-(75):175-223.
  7. Balochi Hanieh, Hadizadeh Talasaz Fatemeh, Bahri Narjes. Donor satisfaction with oocyte donation and willingness to re-donate: a systematic review article. *Journal of Midwifery and Infertility Women of Iran*.
  8. Ardeshir Larijani Mohammad Baqer, Zahedi Farzaneh. Ethical considerations in gamete and embryo donation. *Ethics in science and technology*. 1385;1(1 (special letter on medical ethics)):1-19.
  9. Nosrati Seyedah Fatemeh, Amirian Maleeha, Irani Marwarid. Investigating legal and jurisprudential counseling aspects of gamete donation in Iran: a review study. *Iranian Women's Journal of Midwifery and Infertility*, 2018, 22(6), 85-96.
  10. Shahrokh Tehrani Nejad Ansieh, Ashrafi Mahnaz, Hosseini Rashidi Betoul, Mehrdad Nili. Comparison of pregnancy rates in women with and without ovarian function in in vitro fertilization cycles with donated eggs. *Fertility and Infertility* 1383;5(3 (series 19)):242-248.
  11. Mahdovinejad Gholamhossein. Ruling on the use of donated sperm and ova. *Medicine and cultivation*. 1381;-(47):52-58.
  12. Ghorbin Fath Elah, Rezaei Elham. A jurisprudential approach to the criterion of

- Jurisprudence Center of Imams of Athar, 2013(1391), 564.
36. Nouri Hamedani, h. A jurisprudential issue, Qom, Mahdi Mououd Foundation (AJ), 1998(1377), 300.
37. Makarem Shirazi, N. New polls, Qom: Ansarian Institute, 2014(1392).
38. Khomeini, in Essay on explanation of the issues, Tehran, Imam Khomeini (S) Editing and Publishing Institute, (2013) 1391, 632.
39. Momen Qoumi, M. Sadidah's words in new issues, Qom: Jama'at al-Madrasin in Al-Hawza Al-Alamiya Qom, Al-Nashar al-Islami Foundation, 1994(1415), 92.
40. Yazdi, M. Artificial fertility and its jurisprudence, Forensic Medicine, 1999(1378), 17, 51-62.
41. Safi Golpayegani, L.A. New polls, Qom: Ansarian Institute, 2013(1391).
30. Katouzian, N. Civil rights of the family, volume 1, 2003(1382), 196.
42. Shahid Thani, Z.B.A., Sharh Lamea, Shirvani, A. 2019(1397), 2, 12.
43. Samadi Ahri, M.H. Ancestry caused by artificial insemination in Iranian and Islamic law, Tehran: Ganj Danesh, 2012(1390).
44. Mansour, J. Civil Law, Tehran, Didar Publications, 2015.
- Information Institute (electronic version), 2008(1387).
24. Shahidi, M. Collection of legal articles: civil law, commercial law, criminal law, private international law, Tehran: Majd Publishing House, 2006(1385).
25. Safar, M.J. Law: How to donate embryos to infertile couples, in Bute (criticism and analysis), legal research, 2013(1391), 39, 258-221.
26. Mehrpour, H., An attitude towards the legal and legal status of artificial insemination, Shahid Beheshti University Legal Research Journal, 1997(1376), 1(122), 116-98.
27. Araki, M.A. treatise explaining the issues, Isteftaat, 1991(1370), Bita, 598.
28. Emami, A. Safai, S.H. Family law: marriage and its dissolution (dissolution and divorce) (two-volume set), Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute, 2012(1390).
29. Mousavi Sistani, S.A. Minhaj al-Salehin, Qom: School of Ayatollah Azami al-Sayyid al-Sistani, 1995(1416), 246.
30. Majlisi, M.B. Persian translation of Bihar al-Anwar (software version) by Mousavi Hamdani, A.H. Qom: Mousavi Noor (Noor Soft), 2017(1395).
31. Gharaati, M. Tafsir Noor, Volume 9, 2021(1400), Tehran, Lessons from the Qur'an Cultural Center, 249 and 250.
32. Razania Moalem, M.R. The legal status (lineage) of a child resulting from embryo transfer from the book of modern methods of human reproduction from the point of view of jurisprudence and law (collection of articles), Tehran: Samt, 2013(1391).
33. Rezaniamelem, M.R. Medical fertility from the point of view of jurisprudence and law, Qom: Bostane ketab, 2016(1394).
34. Mousavi Ardabili; S.A. Esftataat, Qom Nejat Publications, 2012(1390), 2968.
35. Fazel Lankarani, M.J. Jurisprudential review of artificial insemination, Qom: